



کتابخانه مجلس شورای ملی

کتاب: مفرد التجارب

مؤلف: بهاء الله ولد

موضوع: ...

شماره قفسه: ۴۷۲۶

۶۰۷۸

شماره ثبت کتاب: ۶۱۹۱۰

۱۲۸۱

۱۹

بازرسی شد  
۱۷-۱۶

بازدید شد  
۱۳۸۲




$$\frac{4038}{5191}$$

2010  
EVL



















و بقیه ما در غنی کرده و قبول  
طبیعی نیکو با طبعی است  
کرده ۳

[illegible]



دنی حقیقت بود یکی اگر کتب می بود باشد نقد برین موهومی بادی مختلط بود و آثار اشرف  
و یکی اگر احکامات موعودیه و عقاید و طریق آن توکل بران کارگاه مختلار و غافل و بعضی از  
در بیان روشن کرد و بهیچ طایفه از افعال موعودیه عین کرامت و کرامت نیست و بعضی آن کردنیها  
میکرد و دیگری اگر کتب می بود برین وجه بود که بعضی از افعال موعودیه در بیان آنرا گفته اند که اینها  
از انان و طایان و عادات عجز می آن حکم کنند بهر دو بدست و اما در مسئله و بعضی از افعال  
بنا بر آنچه از افعال و عادات نیست مگر در و دیگری اگر کتب می بود برین وجه بود که بعضی از افعال موعودیه  
در صورت عجز می آن و اما حکم کنند بهر دو بدست و اما در مسئله و بعضی از افعال موعودیه  
برین وجه بود که بعضی از افعال موعودیه در صورت عجز می آن و اما حکم کنند بهر دو بدست و اما در مسئله و بعضی از افعال موعودیه  
نقد برین موهومی بادی مختلط بود و آثار اشرف و یکی اگر احکامات موعودیه و عقاید و طریق آن توکل بران کارگاه مختلار و غافل و بعضی از  
در بیان روشن کرد و بهیچ طایفه از افعال موعودیه عین کرامت و کرامت نیست و بعضی آن کردنیها  
میکرد و دیگری اگر کتب می بود برین وجه بود که بعضی از افعال موعودیه در بیان آنرا گفته اند که اینها  
از انان و طایان و عادات عجز می آن حکم کنند بهر دو بدست و اما در مسئله و بعضی از افعال  
بنا بر آنچه از افعال و عادات نیست مگر در و دیگری اگر کتب می بود برین وجه بود که بعضی از افعال موعودیه  
در صورت عجز می آن و اما حکم کنند بهر دو بدست و اما در مسئله و بعضی از افعال موعودیه  
برین وجه بود که بعضی از افعال موعودیه در صورت عجز می آن و اما حکم کنند بهر دو بدست و اما در مسئله و بعضی از افعال موعودیه

[illegible]



[illegible][illegible]







بسیار با طاعت مشغول گردد و با نهایت شغف و تضرع باری را که آرد و بر سر کف خود  
در وقت توبه و استغفار در برابر معلوم خود و بر حسب حسرت و توبه از آن  
رسد و در بدین باب آن که در وقت توبه و استغفار از آن  
چنان بود که پیش از آنکه در وقت توبه و استغفار از آن  
بسیار در وقت آن با یکدیگر توبه و استغفار از آن  
و جمیع مسیبت توبه و استغفار از آن  
آن از زمانه استخوان که بر سر طاعت چشم آلود و در وقت توبه و استغفار از آن  
پروان آید از این اعضا و تشنه و در وقت توبه و استغفار از آن  
شماره و توبه و استغفار از آن  
و در وقت توبه و استغفار از آن  
از اواخر شام تا نهایت آن که در وقت توبه و استغفار از آن  
آخر بر کف دست چنان که در وقت توبه و استغفار از آن  
در طاعت توبه و استغفار از آن  
حاکم گفته اند که توبه و استغفار از آن  
و آنچه از اعضا حرکت می نماید و توبه و استغفار از آن  
توبه و استغفار از آن  
چراغی در وقت توبه و استغفار از آن  
که از شام تا نهایت آن که در وقت توبه و استغفار از آن  
بود و کاری در وقت توبه و استغفار از آن  
و نیز که اعضا در وقت توبه و استغفار از آن  
خوابش آید و توبه و استغفار از آن

حسرت حرکت آن عضو و توبه و استغفار از آن  
آنرا تا در کمال آن عضو بر سر توبه و استغفار از آن  
اراده کند آن عضو را در آن زمانه و در آن زمانه  
با توبه و استغفار از آن  
که چون توبه و استغفار از آن  
از جانب مخالف حرکت از آن  
بله اراده و نیز که توبه و استغفار از آن  
سبب است آلات دم زدن را در حال دم زدن  
عضلات که در توبه و استغفار از آن  
بعد از زدن دم زدن با توبه و استغفار از آن  
حسرت از آن روزی که در وقت توبه و استغفار از آن  
و بلکه آن که در وقت توبه و استغفار از آن  
و در آن محبت از آن  
عظمت و شانه و خاصه و توبه و استغفار از آن  
حرکت توبه و استغفار از آن  
و جمیع عضلات را در وقت توبه و استغفار از آن  
و توبه و استغفار از آن  
و توبه و استغفار از آن  
از زمانه و در آن طرفین و توبه و استغفار از آن  
شکل که در وقت توبه و استغفار از آن  
و توبه و استغفار از آن



مصاحب

[illegible]































بالطبع ایضاً طبع نشید جیسا کہ کوکرا  
مشابہ وزن تین لائیں حال کوکرا  
درجہ عکس

元































































و چون طبع از این سرچشمه با وجه عادت بکلیت دلائل شروع می کند و چون در حقیقت  
دور و حضری و مانند کرمی که با یک کون الیست به حرارت خیزی که از انحراف می آید و در  
زبان خرد و نام می کند و کشتی است را درین دفر می سازد اما از اطفال آن را طبع است  
به در و در هر جسم حرارت خیزی بکلیت منوط می باشد از آنجا که در هر جسم که می حرکت  
و آنرا به این بر و طبع است و نیز در هر جسمی که حرکت را با یک جسم دیگر می سازد  
و آنرا با آن حرکت می کشد و در میان هر دو در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که جسم درین حالت در هر جسم با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که جسم با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
قوی از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
عضی از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
به کلیت از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
ماده از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
چون طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
است که طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
چون طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
و چون طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
الامنیست بکلیت و اما طبعی است که در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد

در طبع

به در و در هر جسم حرارت خیزی بکلیت منوط می باشد از آنجا که در هر جسم که می حرکت  
و آنرا به این بر و طبع است و نیز در هر جسمی که حرکت را با یک جسم دیگر می سازد  
و آنرا با آن حرکت می کشد و در میان هر دو در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که جسم درین حالت در هر جسم با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که جسم با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
قوی از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
عضی از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
به کلیت از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
ماده از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
چون طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
که طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
است که طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
چون طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
و چون طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد و در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد  
الامنیست بکلیت و اما طبعی است که در هر طبع از آن را با یک جسم دیگر می کشد

در طبع



















آرامش جانپوش مستادی

[illegible]











[illegible][illegible]















و فرزندش بن کوه بر ما نشسته غار خندان  
صاحب سال و موم را عظیم نام آید

[illegible]



















امامین و امامان عظمیٰ مرافق آید و سوال  
از آن مطلب معنی از خارج صفت ملین

علاء الدین









اندر محلی است

[illegible]







































































و کلامی که در آن آمده است: *مَشْرِفٌ مِّنْ رَبِّهِمْ* چه به چه آمده است.

۱۱۷۲





























[illegible][illegible]

عزیز و باطنی در انقضای خود که از حضرت محمد الی ام  
امیدوار انقضای خود کرد که بر این ۳

























[illegible][illegible]

علاج النحر علی بن یونس















کرم کرد

وہ

[illegible][illegible]



شرح کرد و تمهیل  
نقد و اعراب و درج  
و اخلاص این مکتوب  
را در حق

بسم الله الرحمن الرحيم

















مخبرم و فراموشند که این سخن را از من بگویند

اندر













[illegible][illegible]







































[illegible][illegible]

















و کلا این تبرها با نافع باشد چنانچه مستخرج شود و اگر کسی بخواهد از این تبرها استفاده کند باید که آن را با یکدیگر ببرد

و اگر چه در کتب این باب که ای ای بزرگ از این کتاب شد و در کتب از او بزرگ شد











وعدای این قوم باید از آن در کشتن گشتن از کفر باشد

५

غفر







[illegible][illegible]





۲۱

ملک





[illegible][illegible]



[illegible][illegible]

























[illegible][illegible]



بدانجا

مسند باب







از بعضی آبا

[illegible][illegible]











و بر احتیاج تو که معلوم شد علاج کردن میو ذلک باب بود که بخاطر آنست از ضم

[illegible]











دکتر خانم کرمزاد

[illegible]











[illegible][illegible]



[illegible][illegible]







[illegible][illegible]



۲۰۰

[illegible]

عزیز بن اندکاهی در عشاق ۴  
کاهی در عجب خرم اندکاهی در عشاق

منه



























[illegible][illegible]











بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معه دروغ جامع النسخ  
از دایمک سببش ادا خطا  
مدرسه باشد بحسب تحقیق ۳۳

چندین روز در این میان غالب هزاران مرد و جوانک را کشتیدیم  
برای که باغی باشد و سحر است و مکر است و عدالت است

[illegible]





[illegible][illegible]

















































[illegible][illegible]



[illegible][illegible]







بر سر حرمش من افروید و هموار با کوبید  
نیت از آنکه آنجا بختی استغنی به این تر  
کرد ۳

[illegible]



۱۳۴۲

[illegible]











[illegible][illegible]































کتابخانه کتب خطی  
موزه و کتابخانه  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

۱۲







































































مکه بانگدان هم که این بزرگوار بود  
 کانه و سینه و سینه و سینه  
 باز عفو و سینه و سینه  
 احسان کانه و سینه و سینه  
 و سینه و سینه  
 کونه

[illegible]



























از

[illegible]

[illegible][illegible]





و هرگاه مجدداً بم اندک گرفتار میوم  
رفتار غنی در اینستند

[illegible]





















منسوب به آن خرد و حکمت و علم و فنون و صنایع و هر چه در دنیا است و این که  
بهر یک از اینها که در دنیا است و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
خطا و عیب و نقص و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
مستور و مخفی و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
نیک و بد و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
غیر از اینها که در دنیا است و هر چه در دنیا است  
علم و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
بیت و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
برون و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
ترش و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
مرا و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
اعمال و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
منش و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
هنر و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
درسیا و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
شخص و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
اشتی و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
اعتدال و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است

پیدا و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
آتش و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
برون و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
منش و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
بیت و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
برون و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
ترش و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
مرا و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
اعمال و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
منش و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
هنر و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
درسیا و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
شخص و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
اشتی و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است  
اعتدال و هر چه در دنیا است و هر چه در دنیا است











و اما بگویند حاصل این بخش جان و دار و ثروت من مانند دانه در آتش خود خواهد از دست  
 بر آید و در شکر من بخت خاندان **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 که در وقت کس و در ایام کس از او فروز و کس از او است من **سید** کلام و در حقیقت آن  
 صحیح باشد چنانکه از او در وقت من از او است **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 لطیف است که در روزگار من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 در ایام من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 قریب در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 آنکه در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 است و در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 با در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 سید و در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 که در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 عزیز من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 و در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 سر و در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 کردن و در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 و در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 حق من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 و در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن  
 با در وقت من کلام و در وقت من **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن **سید** صفت و اوقات کلام و در حقیقت آن

[illegible]

























[illegible]

و توجیه آن کرد بمنت حشمتها و بعضی احوالات چنان شد پادشاه بهر آنکه بدو یک مرتبه در این  
راستگاه از بنده طایفه ای بیعت خواست بول و آنجا که رسید مستقیم مسکنه بنام جرجستان  
دوم آنرا کرد که خود دریا بد و فزاد آنرا زد و کله زد و یک خانه و بعضی دیوانه مستقیم  
سفر کرد به آنجا که رسید مستقیم بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
سبب آنرا کرد و یک راه را در اول که بود و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
مستقیم این ارضی حانت کرد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
در حالت ملکوت قدوسه بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
منش بود بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
باشد بقوت رحمت الهی و بعضی از ملکوت بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
شکر و راجع بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
باشد از تمامی آنرا فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
به جهت ضعف بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
و بعضی بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
یعنی بهر آنکه از بعضی احوالات چنان شد پادشاه بهر آنکه بدو یک مرتبه در این  
راستگاه از بنده طایفه ای بیعت خواست بول و آنجا که رسید مستقیم مسکنه بنام جرجستان  
دوم آنرا کرد که خود دریا بد و فزاد آنرا زد و کله زد و یک خانه و بعضی دیوانه مستقیم  
سفر کرد به آنجا که رسید مستقیم بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
سبب آنرا کرد و یک راه را در اول که بود و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
مستقیم این ارضی حانت کرد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
در حالت ملکوت قدوسه بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
منش بود بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
باشد بقوت رحمت الهی و بعضی از ملکوت بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
شکر و راجع بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
باشد از تمامی آنرا فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
به جهت ضعف بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
و بعضی بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد بنام ابدیه و فزاد  
یعنی بهر آنکه از بعضی احوالات چنان شد پادشاه بهر آنکه بدو یک مرتبه در این





卷一

[illegible]









[illegible][illegible]



















[illegible][illegible]









4.

در دفتر کمالی که در کتابخانه  
از قریب به سیصد و پنجاه  
نسخه است از این کتاب  
که در هر نسخه یک  
مصحف است













[illegible][illegible]



و باشد که ضایع نشود و اگر ماورای فراسد کند  
و طبقه را قطع کند و با هم  
منفع گردد

[illegible]

31.



۱۰۰

[illegible]

عظیم واقع

✕

4

X

X























2

✕





















[illegible][illegible]













































































































ما في البحر من منافع كثيرة  
التي لا يمكن حصرها في  
الكتاب

در شمع که مقلد در دلک بر سر کزبان شکر سنبلیله غلظت یافته بر میستند  
حب البان حب لبان بر داشتند و خود مرکب نامیدند و غلیظ کرد و سارنگ بر پاشیدند  
دارد و بجان آن کوزه که بعضی می نوشتند المی که در کار دارویی که حاجک عشاق می نوشتند  
گفته اند از آن بر که در بر داشتند پنجشنبه بر آن دست چون از جگر کشان کشته  
و بعد ریاضت سخت طاقتش نماند که در کار کمال از امر می گویند و در روزگار بسیار کینه  
چراغ خورشید از آن لایک اندازند و چون عین خود در دیر کشند می گویند بعد از آن  
دارد باز بگردد ایذان الله است و بعد از آن که تمام آن را بکستی با خوش و بد خویش کار کرد  
و بارگشتند بامر الله که با کمال کرم از این حرف الله اندازند و این حرف الله از آن  
بناید که در کارهای منزل دانی خسته نام بود و رسم این کار که عین با او می نوشتند  
و پاک می شود و در آن که در کار آن که می خوانند و با یکبار در این کار که می خوانند و در آن  
هر چه می خوانند و در آن که در کار آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
زبان شکستند که در کار آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
و در کار آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
تخت در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
سوم تا یک ماه بعد از آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
معاذ الله از خداوند که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
میان حبیب بر حق می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن  
و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن که می خوانند و در آن











with.

311

بسم الله الرحمن الرحيم

مجله









شکر مراد بنی و ضعیف و عیال بنی  
فی جبره نیران طالع بنی و یکدیگر  
کردیم شکر دم

۱۱۱

۳۱













































































۱۰۰

[illegible]























[illegible][illegible]





























محکم دہ

[illegible]



















































